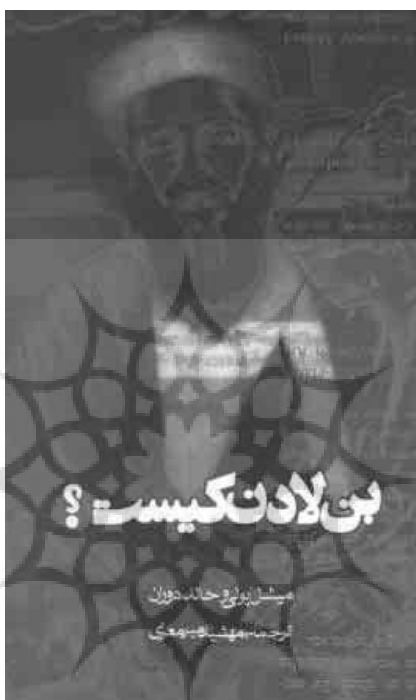


نگاهی یک سویه به اسلام‌گرایان

○ عباس کشاورز شکری

دکترای علوم سیاسی



○ بن‌لادن کیست
○ میشل پولی و خالد دوران
○ مهشید میرمعزی
○ انتشارات روزنه
○ ۱۳۸۰، ۱۴۴ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه

عملیات تروریستی مشاهده نمی‌شود. ضمناً کتاب به علل به وجود آمدن حملات انتحاری از سوی مسلمانان و مطامع امپریالیستی کشورهای غربی هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. با این حال کتاب دارای اطلاعات جالب و مفیدی از گروه‌های اسلام‌گرا و شخص اسامه بن‌لادن است که خواننده را ترغیب می‌نماید که به مطالعه‌ی خود تا به انتهای کتاب ادامه دهد. برای مثال به ارائه‌ی اطلاعاتی درباره‌ی ایدئولوژی‌های اسلام‌گرا از جمله عمر عبدالرحمان و عبدالله آسام می‌پردازد و درباره‌ی گروه‌هایی نظیر القاعده، جما (جماعت)، جهاد (الجهاد) و جماعت تبلیغی و چگونگی به وجود آمدن آنها و فعالیت‌ها آنها مطالبی را ارائه می‌کند.

از محورهای اصلی کتاب مسأله جهاد اسلامی است. به نظر نویسندگان، جهاد مبارزه‌ای مقدس است که تنها علیه کسانی است که فعالانه با مذهب مبارزه می‌کنند (ص ۳۲)، اما این معنا در قرن بیستم از سوی اسلام‌گرایانی نظیر عمر عبدالرحمان مورد باز تفسیر قرار گرفت و به معنای «اسلحه برداشتن و مسلمان کردن کافران با زور اسلحه» تغییر یافت. (ص ۳۴). به نظر نویسندگان عبدالله آسام نیز از دیگر ایدئولوژی‌هایی بود که جهاد را از معنای اصلی خود دور کرد و معنایی رادیکال و خشونت بار به آن داد. این تفسیر از جهاد به خصوص در دهه‌های اخیر در بین مسلمانان شایع شد و در جنگ افغان‌ها با روس‌ها استفاده‌های فراوانی از آن به عمل آمد. اما نظر نویسندگان آن است که بنیادگرایی اسلامی، با اسلام منافات دارد (ص ۵۷). به نظر آنان هر قدر بر روی این نکته تأکید کنیم که ایدئولوژی جدید اسلام‌گرایی، با مذهب اسلام مشابهتی ندارد کافی نیست. اما نویسندگان تحلیلی در این زمینه ارائه نمی‌کنند.

از دیگر مسائلی که نویسندگان معترض آن می‌شوند نقش سازمان سیا در روی کارآمدن اسامه بن‌لادن است. به نظر نویسندگان برخلاف باور عمومی، سازمان سیا نقشی در روی کارآمدن اسامه نداشته است. اما مشکل بتوان این نظر نویسندگان را قبول کرد. به خصوص آن که خود نویسندگان نیز به نقش ایالات متحده در حمایت از جهادگران افغان اشاره کرده و می‌گویند: «در شهرهای مختلف آمریکا

میشل پولی و خالد دوران، نویسندگان کتاب «بن‌لادن کیست» از متخصصان و صاحب‌نظران در زمینه‌ی مسایل افغانستان‌اند. آنان این کتاب را پس از حملات یازدهم سپتامبر و قبل از حمله آمریکا به افغانستان نوشته‌اند. کتاب حاوی اطلاعاتی درباره‌ی گروه‌های اسلام‌گرا در مصر، عربستان، پاکستان، تونس، افغانستان و ایالات متحده است و به طور خاص اطلاعاتی را درباره‌ی زندگانی و فعالیت‌های بن‌لادن ارائه کرده است. کتاب از یک پیشگفتار و یک مقدمه به قلم رولف توپ هوون و پنج فصل و یک جدول زمانی درباره‌ی رویدادهای افغانستان تشکیل شده است. عنوان فصل اول و آیا جهاد جنگ مقدس اسلام‌گرایان است؟ می‌باشد و عناوین فصول بعدی عبارت‌اند از:

اسامه بن‌لادن کیست، در مورد روانشناسی تروریست‌های انتحاری، سوآلی در مورد پیشگیری و چشم‌انداز.

البته فصل دوم با عنوان «اسامه بن‌لادن کیست»، بیشتر صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است و در انتهای آن تاریخچه‌ی زندگانی اسامه بن‌لادن به صورت سال شمار آمده است. به همین دلیل فصول کتاب از لحاظ کمی (تعداد صفحات) با هم متفاوت‌اند و همین امر از انسجام کتاب کاسته است. به نظر می‌رسد که دو فصل «در مورد روانشناسی تروریست‌های انتحاری» و «سوآلی در مورد پیشگیری»، در حقیقت زائده‌هایی هستند که به کتاب اضافه شده‌اند و از وزن لازم برای یک فصل مستقل برخوردار نیستند.

به نظر می‌رسد که ضرورتی که باعث نگاشتن این کتاب شده است همانا وقوع حادثه‌ی یازدهم سپتامبر و میل وافر مردم به دانستن اطلاعاتی در مورد اسامه بن‌لادن است. از این رو این کتاب کتابی توصیفی و ژورنالیستی است و هدف اصلی آن ارائه اطلاعاتی به خوانندگان در مورد اسامه بن‌لادن است. به همین دلیل نمی‌توان از این کتاب انتظار ارائه‌ی تحلیل‌های جامعه‌شناختی و عمیق درباره‌ی گروه‌های اسلام‌گرا و جهاد اسلامی داشت. دیدگاه غالب بر کتاب، دیدگاه حاکم بر کشورهای غربی است، از این رو از مقاومت فلسطینیان در مقابل اسرائیلی‌ها با نام تروریسم یاد می‌شود و فرقی بین حرکت‌های مقاومت‌طلبانه در برابر اشغالگران و

دفاعی به منظور جذب نیروهای جدید و تبلیغ برای اسلام‌گرایان جوان تأسیس شد». (ص ۱۲۵). بعید است که سازمان سیا در جریان این دفاتر و یا کمک‌های تسلیحاتی و مالی به مجاهدان افغان نباشد و در آن مداخله نکرده باشد.

موضوع دیگری که نویسندگان به آن می‌پردازند آن است که پس از حملات یازدهم سپتامبر تروریسم شکل جدیدی پیدا کرده است. به نظر آنان این تروریسم جدید برای اولین بار در نیویورک رخ نمود. به نظر رولف توپ هوون مقدمه‌نویس کتاب، دعوت به مبارزه‌ی جدید به وسیله‌ی نیروی متعصبانه‌ی افرادی تغذیه می‌شود که درس‌های دینی را

براساس عقاید خود و به صورت یک ایدئولوژی سیاسی تغییر می‌دهند و تفسیر می‌کنند. علل و انگیزه‌های تعیین‌کننده‌ی این رفتار، تنفیری عمیق نسبت به دنیای غرب و سیستم اجتماعی غرب است. البته در این کتاب هیچگاه به ریشه‌یابی این تفرق و دلایل جامعه‌شناختی آن اشاره‌ای نمی‌شود. نویسندگان وجه نوین حملات یازدهم سپتامبر را در این می‌دانند که در آن از موشک و بمب اتمی، سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی که متخصصان ضدتروریست سال‌هاست در مورد استفاده از آنها هشدار می‌دهند استفاده نشد. همچنین تا سال‌های قبل از هواپیمارمایی به عنوان هدف و به منظور اعلام حضور به جهانیان استفاده می‌شد. ولی در حملات ۱۱ سپتامبر از هواپیما به عنوان وسیله‌ی انهدام مراکز حساس اقتصادی و نظامی و توسط خلبانان انتحاری استفاده شد. یعنی موردی که متخصصان اصلاً آن را غیرممکن می‌دانستند و فکری در مورد آن نکرده بودند. نویسندگان می‌گویند مسئولین به این فکر نکرده بودند که می‌توان از یک چاقوی جیبی به عنوان یک سلاح مؤثر استفاده کرد (ص ۱۱۵).

نویسندگان در فصل «در مورد روانشناسی تروریست‌های انتحاری» به جای روانشناسی این پدیده، به دلایل فرهنگی پناه می‌برند و علت این حملات را «ناچاری» و «فعال شدن فرهنگ شهادت» (ص ۱۰۷) ذکر می‌کنند. در فصل «سوآلی در مورد پیشگیری» نویسندگان

کتاب حاضر، توصیفی ژورنالیستی است و به همین دلیل نمی‌توان از آن انتظار ارائه تحلیل‌های جامعه‌شناختی و عمیق درباره گروه‌های اسلام‌گرا و جهاد اسلامی داشت

علل و انگیزه‌های تروریسم جدیدی که با حادثه یازده سپتامبر آغاز شد، تنفیری عمیق نسبت به دنیای غرب و سیستم اجتماعی غرب است

سعی می‌کنند به این سؤال پاسخ دهند که آیا با وقوع رویداد یازده سپتامبر سرویس‌های اطلاعاتی غرب و دولت‌های غربی شکست خوردند؟ نویسندگان در پاسخ می‌گویند به هرحال این حادثه ضعف سیستم‌های امنیتی در غرب را آشکار کرده است (ص ۱۱۴).

نویسندگان در فصل آخر چشم‌انداز حاصله از ماجرای یازده سپتامبر را زیبا نمی‌دانند. به نظر آنان با چنین چشم‌اندازی اکنون زمان آن رسیده است که آمریکا و اروپا در یک اتحاد جهانی که کشورهای اسلامی باید جزیی از آن باشند، علیه این شکل از تعصب که خشونت بر آن حکومت می‌کند وارد عمل شوند! به این ترتیب

نویسندگان، کتاب خود را با این توصیه به کشورهای غربی به پایان می‌برند که جواب خشونت را با خشونت باید داد!

همانطور که گفتیم فصول آخر کتاب به عنوان زائده‌ای بر اصل کتاب (که در مورد زندگی بن‌لادن است) محسوب می‌شوند. به طوری که خواننده موقعی که به این فصول می‌رسد نوعی گسست با مطالب قبل از آن را احساس می‌کند. گویی این فصول از اول جزو کتاب نبوده‌اند و تنها به این دلیل که کتاب نتیجه‌گیری داشته باشد به آن اضافه شده‌اند. همچنین برخی تکرارها در کتاب مشاهده می‌شود بدون آنکه به تکراری بودن مطالب اشاره شود. برای مثال نویسندگان در ص ۵۸ چنان از جهاد و جهادگرایان سخن می‌گویند که انگار اصلاً این مطالب را نگفته‌اند و این درحالی است که همین مطالب را قبلاً در صفحات ۳۱ و ۳۲ توضیح داده‌اند. همچنین در ص ۱۲۶ آمده است که آسام در سال ۱۹۸۷ در پاکستان با بمبی به قتل رسید. در صورتی که این مطلب در ص ۳۷ نیز آمده است.

در کل، کتاب «بن لادن کیست» کتابی است خواندنی و به خواننده اطلاعات جدیدی را در مورد زندگانی و فعالیت‌های اسامه بن‌لادن و گروه‌های مورد حمایت او می‌دهد، ولی جهت‌گیری‌های نویسندگان کلاً از دیدگاه غربی است و لذا کتاب به طور یک طرفه به مسئله پرداخته است.

به خاطر ژورنالیستی بودن کتاب، نباید از آن انتظار تحلیل‌های علمی و جامعه‌شناختی و به کارگیری روش‌های علمی داشت. کتاب در اصل به دلیل فقدان مطالب در این زمینه نوشته شده است و در همین حد نیز مطالبی را ارائه می‌کند که کمتر در کتاب‌های دیگر به آنها اشاره شده است.